فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی سوم، شماره‌ی۲، پاییز ۹۳، صفحات ۱۶۷-۱۸۳

ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰

مهدی منتظرالحجه[۱]، مجتبی شریف‌نژاد[۲]، افشین امیدی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳

چکیده

دسترسی به توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای آرمان بزرگ هر ملتی است. درباره‌ی اثر فرهنگ بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر به‌سزایی دارد. هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰، بر مبنای شاخص‌های فرهنگی است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی- تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش، از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به‌دست آمده‌اند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تاکسونومی عددی[۴] استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق، ۱۰ شهرستان استان یزد در سال ۱۳۸۱ و هم‌چنین ۱۱ شهرستان این استان در سال ۱۳۹۰ بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی- اداری استان در همان سال است. نتایج حاصل از این پژوهش،گویای آن است که در طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ به ترتیب شهرستان‌های اردکان و بهاباد، برخوردارترین و شهرستان‌های طبس و یزد، غیر برخوردارترین شهرستان‌ها شناخته شده‌اند. شهرستان‌هایی از قبیل خاتم و طبس در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان همواره در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ زیر حد توسعه‌یافتگی فرهنگی قرار گرفته و در زمره‌ی شهرستان‌های غیر برخوردار درآمده‌اند. شهرستان یزد در سال ۱۳۹۰ با توجه به رشد بالای جمعیت و عدم تطابق رشد شاخص‌های فرهنگی با رشد جمعیت به عنوان غیر برخوردارترین شهرستان شناسایی شد. با توجه به نقش مرکزیت این شهرستان در استان یزد لازم است برنامه‌ریزی‌های لازم در این خصوص انجام پذیرد.

واژه‌های کلیدی: توسعه‌یافتگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، تاکسونومی عددی، استان یزد

[۱] استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه یزد، نویسنده مسؤول mahdiimontazer@yahoo.com

[۲] مربی گروه شهرسازی، دانشگاه یزد

[۳] کارشناس شهرسازی، دانشگاه یزد

[4] Numerical Taxonomy

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

مقدمه

بر هم خوردن تعادل درون و برون منطقه‌ای از موانع اصلی توسعه‌ی ملی به شمار می‌رود (شالی و رضویان، ۱۳۸۹: ۲۵). شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است. این محدوده‌های جغرافیایی شامل سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی است (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۸: ۳۱). از آن‌جایی که آدمی تا لحظه‌ی دست‌یافتن به هسته‌ی باثبات شخصیتی، نمی‌تواند با دنیای پیرامون خود بده و بستان کارآمد برقرار کند، منطقه نیز مادامی که حیات یک پارچه‌ای را مبتنی بر بنیان‌های مستحکم خود کسب نکرده باشد قادر نیست تعاملات و تبادلات ضروری را برقرار سازد (مامفورد، ۱۳۸۵: ۴۸۹). دسترسی به توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای آرمان بزرگ هر ملتی است و تحقق این مهم مستلزم آن است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با شناخت دقیق از وضعیت کشور و منطقه، بهترین الگوها را برای تعیین مسیر توسعه انتخاب کنند (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۸: ۳۳). در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوّت و ضعف آن‌ها اهمیت زیادی دارد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دست‌آوردها و امکانات جامعه، یکی از مهم‌ترین معیارهای اساسی توسعه به شمار می‌رود (تقوایی و قائدرحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). از دهه‌ی ۱۹۸۰، توسعه‌ی فرهنگ محلی، به مهم‌ترین بخش سیاست دستور کارهای شهرها و مناطق، در کشورهای توسعه‌یافته در سراسر دنیا تبدیل شد (استیونسون، ۱۳۸۸: ۱۷۱). اگر فرهنگ را مجموعه‌ی پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه بدانیم که به آن جامعه شخصیت و هویت می‌بخشد و به همین دلیل نیز جامعه تلاش می‌کند از طریق سازوکارهایی با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر دست به بازتولید خود بزند، در چنین حالتی بی‌شک، سکونت‌گاه‌های شهری بهترین بستر برای فرایند فرهنگ‌سازی به حساب می‌آیند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۸۶). فرهنگ منبعی برای پایداری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی به شمار می‌رود. (Kankala, 2011: 6) در مورد اثر آن بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر به‌سزایی دارد (مشکینی و قاسمی، ۱۳۹۱، ۳). توجه به رهیافت تعادل و توازن منطقه‌ای، کاهش ناهمگونی و نابرابری‌های منطقه‌ای و بخشی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای توزیع هدف‌هایی که بر حسب ویژگی‌های ساختاری، امکانات و محدودیت‌های هر منطقه تغییر می‌کنند، مستلزم مطالعه و شناخت اهمیت خصوصیات هر منطقه با توجه به جایگاه آن در کل سیستم منطقه‌ای است (تقوایی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

قائدرحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). از این رو درک و شناخت بهتر از میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد نسبت به هم‌دیگر و ارزیابی آن در دوره‌های مختلف موجب شناخت نقاط قوّت و ضعف، توان‌ها، کمبودها و در نهایت موجب توفیق در برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شود. بر این مبنا سؤالات اساسی این پژوهش بدین صورت مطرح شده است:

سؤال اصلی:

به‌منظور برنامه‌ریزی توسعه‌ی فرهنگی، کدام یک از شهرستان های استان یزد در اولویت قرار دارند؟

سؤالات فرعی:

۱ – درجه توسعه یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ چقدر بوده‌است؟

۲ – کدام یک از شهرستان‌های استان یزد طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ از لحاظ میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی بهبود یافته و کدام یک وضعیت نامطلوبی پیدا کرده‌است؟

پیشینه‌ی تحقیق

بحث درباره‌ی فرهنگ از دیرباز در جهان سابقه داشته، ولی بررسی آن با دیدگاه‌های جدید در این اواخر رواج یافته‌است. نخستین بار در یونسکو بحث فرهنگ و توسعه مطرح شد. با اعلام اندیشه‌ی توسعه‌ی فرهنگی در سال ۱۹۵۰، دهه ۶۰-۱۹۵۰ به دهه‌ی اول توسعه شهرت یافت. در دهه‌ی ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و واژه‌های جدید چون توسعه‌ی فرهنگی و سیاست فرهنگی در عرصه‌ی فرهنگ مصطلح گردید (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۲).

زیاری (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران» با ۲۳ شاخص فرهنگی و با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی به رتبه‌بندی استان‌های کشور پرداخته‌است. نتایج پژوهش گویای آن است که استان تهران در میان استان‌های کشور، به دلیل شدّت توسعه‌یافتگی فرهنگی، نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن است.

نقدی در کتاب خود تحت عنوان «درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر، انسان و شهر (۱۳۸۲)» با استفاده از شاخص‌های توسعه‌ی عمومی و از طریق تکنیک تحلیل عاملی، ۲۴ استان کشور را از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی، اقتصادی و شهری رتبه‌بندی کرد و از این طریق درجه‌ی توسعه‌ی یافتگی استان‌ها را مورد مطالعه و مقایسه قرار داد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

شالی و رضویان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی» با استفاده از ۶۱ شاخص توسعه که ۸ شاخص آن مربوط به بخش فرهنگی و اجتماعی می‌شود، به سطح‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق در بخش فرهنگی و اجتماعی گویای آن است که شهرستان تبریز برخوردارترین و شهرستان‌های چاراویمایق محروم‌ترین شهرستان هستند.

سرخ‌کمال و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی» بر اساس ۹ شاخص فرهنگی به سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی پرداخته‌اند. نتایج یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۵ شهرستان گناباد، رتبه‌ی اول و شهرستان‌های درگز و بردسکن به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را کسب کرده‌اند.

توکلی نیا و شالی (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران» با بهره‌گیری از ۶۰ شاخص توسعه‌یافتگی که ۱۲ شاخص آن مربوط به بخش فرهنگی و اجتماعی است به سطح‌بندی استان‌های ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصله در بخش فرهنگی واجتماعی نشان می‌دهد که استان‌های تهران، سمنان و اصفهان به ترتیب رتبه‌ای اول تا سوم و هم‌چنین استان سیستان و بلوچستان رتبه‌ی آخر را کسب کرده است.

مشکینی و قاسمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «سطح‌بندی شهرستان‌ها استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل TOPSIS» با استفاده از ۱۰ شاخص فرهنگی به سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش، بیان‌کننده‌ی آن است که شهرستان‌های زنجان و ماهنشان، از بالاترین رتبه و شهرستان‌های خدابنده و ایجرود با اختلاف زیادی نسبت به دیگر شهرستان‌های استان از کمترین رتبه از نظر شاخص‌های فرهنگی بر اساس مدل تاپسیس برخوردارند.

مبانی نظری

توسعه: توسعه یک جریان چند بعدی است و زیربخش‌های متعددی چون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره دارد که شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری هر کدام به وجود آمده است (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۴) و می‌توان آن را تکامل سطح زندگی و رسیدن به شرایط آرمانی در حوزه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست که تحقق مفاهیم آزادی، عدالت، پویایی اجتماعی،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

توسعه‌ی انسانی و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه می‌آورد (محمودی‌نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۵۷). توسعه فرآیندی است که طی آن جوامع از شرایط اولیه‌ی عقب ماندگی و توسعه نیافتگی با عبور از مراحل تکاملی کم و بیش یکسان و تحمل و دگرگونی‌های کیفی و کمّی به جوامع توسعه‌یافته تبدیل خواهد شد (مؤمنی و صابر، ۱۳۹۱: ۱۸۵) توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آن‌ها و هم‌چنین وجه نظرهای عمومی مردم نیز هست (موحد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴). اهداف رشد و توسعه بدون شک شامل ارتقای سطح تولیدات اقتصادی، خدمات و رفاه اجتماعی، بالا بردن درآمد منطقه و سطح زندگی مردم در منطقه است (معصومی اشکوری، ۱۳۸۷: ۶۵).

برنامه‌ریزی و توسعه‌ی فرهنگی: فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل و هر فرهنگ بر فرهنگ قبل از خود بنا می‌شود (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۴۷) و یک راه مشخص زندگی است که معانی مشخصی را نه فقط در هنر و آموزش بلکه در رفتارهای سازمانی و عادی بیان می‌کند (منتگمری[1]، ۱۱:۱۹۹). پس تأکید بر منابع غیر مادی دارد (جنکز[2]، ۴۲:۲۰۰۴) و مطابق با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور جستجوی فرصت‌ها قابل تغییر می‌باشد. (هاتس، ۸۹:۲۰۱۱). برنامه‌ریزی مستلزم هماهنگی فعالیت انسانی در زمان و فضا، بر مبنای شناخت واقعیت‌های مربوط به مکان، فعالیت و انسان و هم‌چنین تعدیل و بازمکان‌یابی عناصر مختلف محیطی در زمینه‌ی افزایش خدمات برای جامعه است (مامفورد، ۱۳۸۵: ۴۹۲). برنامه‌ریزی فرهنگی به عنوان سازوکاری در جهت گنجاندن فعالیت فرهنگی محلی در دستور کار شهری، به منظور بهبود زندگی شهری و محیط زیست مصنوع ارائه می‌شود (استیونسون، ۱۳۸۸: ۱۷۲). هدف برنامه‌ریزی فرهنگی ایجاد فرصت برای افراد است تا بتوانند دیدگاه مترقی و آگاهانه‌ای در امور اجتماعی به‌دست آوردند و در انتخاب‌های مهمی که برای حال و آینده‌ی جامعه‌ی‌شان مهم و سرنوشت‌ساز است مشارکت کنند (ژیرار، ۱۳۷۲: ۹۰). با استفاده از فرهنگ به عنوان ابزار، توسعه‌ی فرهنگی جامعه قادر خواهد بود امکان معرفی مدل‌های مناسب پایداری را درون جامعه فراهم سازد (صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹: ۸۶).

روش‌های سنجش توسعه‌یافتگی: با مروری اجمالی بر نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی، به‌طور کلی می‌توان دو چهارچوب را مطرح کرد: ۱- چارچوب‌های بنیادین توسعه ۲- چهارچوب‌های نوین توسعه

[1] Montgomery
[2] Jenks

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

مکتب تکاملی توسعه، نظریه‌ی نوسازی، دیدگاه مارکسیستی از توسعه و نظریه‌ی وابستگی در درون چارچوب‌های بنیادین قرار می گیرند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۵). این مکاتب عموماً اعتقاد به گسترش نقش مداخله‌ی دولت در توسعه همراه با مشارکت کمک های خارجی دارند. در تمام این مکاتب، به لحاظ غلبه رویکرد بالا به پایین و ایفای نقس حاکمیتی دولت در امر برنامه‌ریزی توسعه و به دلیل نگرش جزءگرایانه در تحلیل مسائل، بهره‌گیری از روش‌های کم و مدل‌های ریاضی توسط برنامه‌ریزان برای سهولت درک و شناخت پیچیدگی‌های مسائل و مشکلات در مناطق مختلف، اجتناب ناپذیر می‌شود (افراخته، ۱۳۷۴: ۱۱).

در چنین چارچوبی، اقدامات متداول برای توسعه به شیوه‌ی تهیه‌ی طرحی فنی و اجرایی قیّم مآبانه‌ی آن که به «رهیافت آزالیدی» مشهور است، صورت می‌گیرد و طی آن همه چیز و از جمله انسان به‌صورت یک متغیّر دیده می‌شود. بر این مبنا از تکنیک های تحلیلی استفاده می‌کند که به درک برنامه ریز از کارکرد و ساختار یاری می‌رساند و در نتیجه امکان پیش‌بینی و مدل‌سازی را می‌دهد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۳).

در مقابل چارچوب‌های نوین توسعه با پذیرش دیدگاه هایی هم‌چون اجتماعات محلی، نقش سازمان‌های غیردولتی، مباحث جنسیتی، عدالت و دموکراسی، مشارکت شهروندی و مهم‌تر از همه محیط زیست و توسعه‌ی پایدار، بر رویکرد توسعه از پایین تأکید می‌کند.

به هر صورت، پیدایی الگوی جدید با تکیه بر اصول بنیادین علوم اجتماعی که از تنوّع و گوناگونی تجربیات توسعه در زمان و مکان‌های مختلف حمایت می‌کند و با تأکید بر شالوده‌ی رویکرد مردم محور در نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار، نقش دولت را از سازنده، فراهم کننده و تنظیم‌کننده‌ی اصلی به ایجاد کننده‌های چارچوب قدرتمند قانونی، تفویض قدرت و تشویق همیاری‌ها تغییر می‌دهد، به دنبال آن است که در چارچوبی کل‌نگر به شناخت مسائل بپردازد و در این مسیر از روش‌های کمّی نه به‌عنوان جانشین بلکه به عنوان ابزاری برای تسهیل فرآیند برنامه ریزی و کمک به تصمیم‌گیری استفاده کند (منتظر تربتی، ۱۳۸۷: ۴۴).

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی- تحلیلی محسوب می‌شود. داده‌های مورد نیاز برای انجام این پژوهش، از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به‌دست آمده‌اند. جامعه‌ی آماری تحقیق، ۱۰ شهرستان استان یزد در سال ۱۳۸۱ و همچنین ۱۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

شهرستان این استان در سال ۱۳۹۰بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی- اداری استان در همان سال است.

معرفی شاخص‌های پژوهش: فعالیت‌ها و خدماتی که می‌توان از آن تحت عنوان شاخص‌های فرهنگی نام برد از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که سنجش و برنامه‌ریزی برای آن‌ها را میسر می‌کند. این شاخص‌ها عینی، کمّی و قابل شمارش هستند و ابزاری برای گردآوری اطلاعات، تحلیل و ارزیابی هستند و به‌منظور یافتن مقوله‌های اندازه‌گیری در امر فرهنگ طراحی می‌شوند (محمدی و ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در این تحقیق، برای سطح‌بندی شهرستان‌های استان یزد در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ از ۹ شاخص فرهنگی استفاده شده‌است. لازم به ذکر است که این شاخص‌ها به تنهایی نمی‌تواند بیان‌کننده‌ی توسعه یا عدم توسعه‌ی فرهنگی باشد؛ لیکن با توجه به عدم وجود اطلاعات، مستندات و آمارهای مستند به ناچار به این تعداد بسنده شده است هم‌چنین انتخاب شاخص‌ها با توجه به وجود اطلاعات برای دو دوره‌ی آماری ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ نیز مد نظر بوده، که به شرح زیر است:

۱. نسبت ظرفیت سالن‌های نمایش چند منظوره به ۱۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان
۲. نسبت تماشاگر سینما و تئاتر به کل جمعیت شهرستان
۳. نسبت نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری برپا شده به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۴. تعداد بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی به جمعیت شهرستان
۵. نسبت کتابخانه‌های عمومی به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان
۶. نسبت اعضای کتابخانه‌های عمومی به جمعیت شهرستان
۷. نسبت تعداد کتب کتابخانه‌ها به جمعیت شهرستان
۸. تعداد چاپخانه فعال به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان
۹. نسبت اماکن مذهبی به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهرستان

تاکسونومی عددی: تاکسونومی در لغت به معنای رده‌بندی و طبقه‌بندی است (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۷۴). آنالیز تاکسونومی برای طبقه‌بندی‌های مختلف در علوم به کار برده می‌شود. نوع خاص آن تاکسونومی عددی است که بنا به تعریف، ارزیابی عددی شباهت‌ها و نزدیکی‌ها میان واحدهای تاکسونومیک و درجه‌بندی آن عناصر به گروه‌های تاکسونومیک است. این روش برای اولین بار توسط آدانسون[1] در سال ۱۷۶۳ م. پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸ م. به‌عنوان وسیله‌ای برای

[1] . Adanson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

طبقه‌بندی و درجه‌ی توسعه‌یافتگی میان ملل مختلف توسط پروفسور هلوینگ[1] از مدرسه‌ی عالی اقتصاد در یونسکو مطرح شد (آسایش، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

در این روش برای تعیین واحد یا انواع موضوعات همگن در یک فضای برداری سه‌بعدی و بدون استفاده از رگرسیون، واریانس و آنالیز هم‌بستگی قادر خواهد بود یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کند. بدین لحاظ این روش می‌تواند به عنوان روش مناسبی برای بررسی میزان توسعه یافتگی فرهنگی محدوده‌ی مورد مطالعه مورد استفاده قرار بگیرد. تکنیک مورد نظر شامل چندین مرحله‌ی عملیاتی است که به شرح زیر است:

مرحله‌ی ۱. تشکیل ماتریس داده‌ها (X): در این ماتریس، سطرها(i) و ستون‌های(j) آن به ترتیب نمایانگر مناطق و شاخص‌های پژوهش است. هر درایه در این جدول بیان‌کننده‌ی وضعیت منطقه‌ی i از نظر شاخص j می‌باشد. (Eghbali, 2007: 126) داده‌های مورد نیاز پس از استخراج باید در این ماتریس قرار بگیرند و سپس میانگین و انحراف معیار هر ستون محاسبه شود (رابطه ۱و۲).

مرحله‌ی ۲. تشکیل ماتریس استاندارد (Z): ماتریسی که هر درایه یا عضو آن با Z_{ij} نشان داده می‌شود (رابطه‌ی ۳).

رابطه ۳:
$$Z_{ij} = \frac{X_{ij} - \overline{X_j}}{S_j}$$

مرحله‌ی ۳. محاسبه فواصل مرکب میان شهرستان‌ها (تشکیل ماتریسD): در این مرحله، با داشتن ماتریس استاندارد Z می‌توان فاصله‌ی هر منطقه را از سایر مناطق به نسبت شاخص‌های تعیین شده به‌دست آورد (گورولی[2]،۲۰۰۰:۹۷). اگر برای هر یک از نقاط، m شاخص در نظر گرفته شود، هریک از آن‌ها به یک بردار m بعدی تبدیل خواهد شد. پس هریک از نقاط مورد بررسی، یک نقطه در فضای m بعدی است (مسعود و همکاران: ۱۳۹۰: ۴۷). برای محاسبه‌ی فاصله‌ی مرکب میان منطقه a و b باید از رابطه‌ی ذیل استفاده کرد: (رابطه‌ی ۴)

رابطه ۴:
$$d_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^{m} (Z_{aj} - Z_{bj})^2}$$

مرحله‌ی ۴. تعیین کوتاه‌ترین فاصله(d): هر عضو ماتریس D بیان‌کننده‌ی فاصله میان دونقطه‌ی مورد بررسی است. در این ماتریس کوچکترین عدد هر سطر بیانگر کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه

[1] . Hellwing
[2] Gurveli

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

است. در ادامه باید مقدار میانگین و انحراف معیار برای کوتاه‌ترین فاصله‌ی هر منطقه محاسبه شود.

مرحله‌ی ۵. همگن سازی مناطق: مناطقی که فواصل آن‌ها مابین d_+ و d_- قرار می‌گیرد مناطق همگن نامیده می‌شوند. مناطقی که بالاتر از d_+ باشند بیان‌کنندی این است که هیچ نوع تشابهی از لحاظ توسعه با دیگر مناطق ندارند. هم-چنین مناطقی که پایین‌تر از d_- باشند، مناطقی هستند که طول فاصله‌ی آن‌ها کمتر از حدّی است که بتوان تفاوتی میان دو شهرستان نشان دهند..(رابطه‌ی ۵ و ۶)

رابطه ۵: $$d_+ = \bar{d} + 2S_d$$

رابطه ۶: $$d_- = \bar{d} - 2S_d$$

مرحله‌ی ۶. تعیین سرمشق توسعه (C_{io}): در ماتریس استاندارد، حاصل بزرگ‌ترین مقدار هر ستون را به عنوان مقدار ایده‌آل انتخاب می‌شود. سپس از مقدار ایده‌آل محاسبه شده، نقطه‌ی سرمشق توسعه از رابطه‌ی زیر قابل محاسبه است: (رابطه‌ی ۷)

رابطه ۷: $$C_{io} = \sqrt{\sum_{j=1}^{m}(D_{ij} - D_{oj})^2}$$

که در آن D_{ij} درایه متناظر با سطر iام و ستون jام ماتریس استانداردی است که مقدار ایده‌آل در آن حساب شده است و مقدار D_{oj} مقدار ایده‌آل ستون jام همین ماتریس است. هر قدر سرمشق توسعه متناظر با منطقه‌ای کوچک شد، دال بر توسعه یافتگی آن منطقه است (همان: ۴۹)

مرحله‌ی ۷. محاسبه‌ی درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق(F_i): (رابطه‌ی ۸و۹)

رابطه‌ی ۸: $$F_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

رابطه‌ی ۹: $$C_o = \overline{C_{io}} + 2S_{io}$$

درجه‌ی توسعه‌یافتگی میان صفر و یک است؛ هرچه این مقدار به صفر نزدیک باشد منطقه‌ی مورد بررسی توسعه‌یافته‌تر و هر چقدر به یک نزدیک باشد، نقطه‌ی مورد بررسی از توسعه یافتگی فاصله دارد (مسعود و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

شناخت محدوده‌ی مورد مطالعه

استان یزد با مساحت حدود ۱۳۰۴۵۸ کیلومتر مربع در قسمت مرکزی فلات ایران قرار دارد. این استان در ۲۹ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۷ دقیقه‌ی عرض شمالی و ۵۲ درجه‌ی و ۵۰ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی واقع شده است و در برگیرنده‌ی نامناسب‌ترین عوامل طبیعی غالب بر فلات مرکزی ایران است. استان یزد طبق آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۹ دارای ۱۱ شهرستان، ۲۴ شهر، ۲۲ بخش و ۵۱ دهستان است. این استان به وسیله‌ی استان‌های اصفهان، فارس، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سمنان و کرمان محدود شده است (سالنامه آماری استان یزد، ۱۳۸۹: ۲۹).

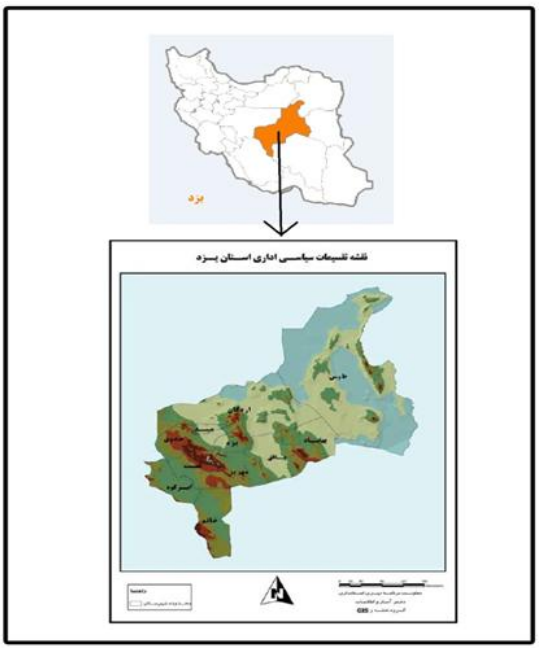

شکل شماره‌ی یک- موقعیت جغرافیایی استان یزد در کشور به تفکیک شهرستان

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به توضیحات داده شده در بخش‌های پیشین، به منظور تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد و سطح‌بندی آن‌ها به لحاظ سطح توسعه، ۹ شاخص فرهنگی برای سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ تعریف و محاسبه شده است که در ابتدا، نتیجه‌ی این سطح‌بندی ارائه خواهد شد. سپس رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ انجام شده است تا بر این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

مبنا تغییرات حاصله در این دوره شناخته و به واسطه‌ی آن به تحلیل و ارائه‌ی راهکارها پرداخته شود.

سطح‌بندی شهرستان‌های استان یزد در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰: همان‌طور که در جدول شماره‌ی سه۳ ملاحظه می‌شود، با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی، سطح‌بندی میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد انجام شده است. لازم به توضیح است که با توجه به تفاوت بالای شاخص‌های فرهنگی شهرستان یزد در سال ۱۳۸۱ و عدم همگنی با دیگر شهرستان‌ها (مطابق با مرحله‌ی ۵ تکنیک تاکسونومی عددی) این شهرستان از محاسبات حذف و با انجام دوباره‌ی محاسبات، سطح‌بندی صورت گرفته است. مطابق با سطح‌بندی انجام شده‌ی مقادیر (Fi و Cio) شهرستان‌های اردکان و ابرکوه به ترتیب (۰/۵ و ۳/۶۸۴) و (۰/۶۶ و ۴/۸۶۱) محاسبه شده و از آن‌جا که هرچه مقدار Fi به عدد صفر نزدیک‌تر باشد توسعه‌یافتگی بیش‌تر خواهد بود، شهرستان‌های اردکان و ابرکوه به ترتیب رتبه‌ی اول و دوم را کسب کردند. هم‌چنین شهرستان‌های خاتم و طبس نیز با مقادیر (Fi و Cio) به ترتیب (۰/۸۴ ، ۶/۱۳۵) و (۰/۹۷، ۷/۰۸۹) رتبه‌های هشتم و نهم را کسب کرده و غیر برخوردارترین شهرستان‌ها به لحاظ شاخص‌های فرهنگی شناخته شده‌اند.

جدول شماره‌ی سه- سطح‌بندی شهرستان‌های استان یزد در سال ۱۳۸۱

شهرستان			رتبه
ابرکوه	۴/۸۶۱	۰/۶۶	۲
اردکان	۳/۶۸۴	۰/۵۰	۱
بافق	۵/۷۵۹	۰/۷۹	۵
تفت	۵/۷۷۵	۰/۷۹	۶
طبس	۷/۰۸۹	۰/۹۷	۹
صدوق	۵/۴۳۸	۰/۷۴	۴
خاتم	۶/۱۳۵	۰/۸۴	۸
مهریز	۴/۸۸۳	۰/۶۷	۳
میبد	۶/۰۰۷	۰/۸۲	۷

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

در سال ۱۳۹۰ با افزایش جمعیت شهر بهاباد و سکونتگاه‌های پیرامونی در آخرین تصمیم‌گیری در خصوص تقسیمات اداری و سیاسی کشوری، شهرستان بهاباد از محدوده‌ی شهرستان بافق جدا و مستقل شد. از این رو محاسبات رتبه‌بندی میان ۱۱ شهرستان انجام شد. مطابق با جدول شماره‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

چهار محاسبات انجام شده حاکی از آن است که شهرستان بهاباد با کمترین مقادیر (Fi و Cio) معادل (۰/۵۸ و ۵/۲۷۶) به‌عنوان رتبه‌ی برتر و برخوردارترین شهرستان شناخته شده و شهرستان یزد با این‌که در سال ۱۳۸۱ به دلیل تفاوت بالای توسعه‌یافتگی غیر همگن شناخته شد، با گذشت ۱۰ سال در سال ۱۳۹۰ با مقادیر (Fi و Cio) معادل (۰/۹۴ و ۸/۴۷۸) به عنوان رتبه‌ی آخر و غیر برخوردارترین شهرستان شناخته شد.

جدول شماره‌ی چهار- سطح‌بندی شهرستان‌های استان یزد در سال ۱۳۹۰

شهرستان	C_{io}	F_i	رتبه
ابرکوه	۶/۸۲۳	۰/۷۵	۵
اردکان	۷/۲۴۹	۰/۸۰	۶
بافق	۶/۵۳۳	۰/۷۲	۴
بهاباد	۵/۲۷۶	۰/۵۸	۱
تفت	۷/۷۶۲	۰/۸۶	۸
خاتم	۸/۱۵۳	۰/۹۰	۱۰
صدوق	۵/۵۸۰	۰/۶۲	۲
طبس	۷/۸۵۸	۰/۸۷	۹
مهریز	۶/۱۹۶	۰/۶۸	۳
میبد	۷/۵۴۹	۰/۸۳	۷
یزد	۸/۴۷۸	۰/۹۴	۱۱

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

مقایسه‌ی روند توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰: پس از محاسبه‌ی درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد مطابق با جدول شماره‌ی پنج جایگاه برخورداری از توسعه‌ی فرهنگی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ محاسبه و ارائه شده است. مطابق با جدول زیر در سال ۱۳۸۱ شهرستان‌های اردکان و ابرکوه برخوردار، مهریز، صدوق، بافق، تفت و میبد نیمه برخوردار و خاتم و طبس غیر برخوردار شناخته شده‌اند. همان گونه که در قبل اشاره شد شهرستان یزد به دلیل تفاوت زیاد شاخص‌ها غیر همگن شناسایی شده، اما می‌توان گفت که این شهرستان نیز در سال ۱۳۸۱ جزء شهرستان‌های برخوردار طبقه‌بندی می-شود. در سال ۱۳۹۰، شهرستان‌های بهاباد، صدوق و مهریز جایگاه برخوردار، شهرستان‌های بافق، ابرکوه و اردکان نیمه برخوردار و سایر شهرستان‌ها غیر برخوردار شناخته شدند. همان‌گونه که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

ملاحظه می‌شود در طی ۱۰ سال از میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های اردکان و ابرکوه کاسته شده و بر میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مهریز و صدوق افزوده شده است. هم‌چنین شهرستان‌های میبد و تفت نیز به دلیل عدم توجه کافی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی فرهنگی از جایگاه نیمه برخوردار به غیر برخوردار تنزّل یافته‌اند. شهرستان‌های خاتم و طبس نیز با گذشت ۱۰ سال هنوز به واسطه‌ی عدم برنامه‌ریزی مناسب در جایگاه نامناسبی قرار دارند. نکته‌ی مهم در این میان تغییر جایگاه شهرستان یزد به عنوان مرکزیت استان از برخورداری بالا در سال ۱۳۸۱ و رسیدن به موقعیت غیر برخوردار در سال ۱۳۹۰ است و این مهم در شرایطی است که همواره شهرستان‌هایی که مرکز استان در آن واقع شده از بالاترین برخورداری بهره‌مند هستند. بررسی شرایط و شاخص‌ها گویای آن است که تغییرات شدید جمعیتی در طی ۱۰ سال و عدم توسعه‌ی متوازن فرهنگی مهم‌ترین عامل این محرومیت فرهنگی به شمار می‌رود. جمعیت شهرستان یزد در سال ۱۳۷۵ برابر ۲۸۸۱۶۱ نفر، در سال ۱۳۸۵ برابر ۵۲۶۲۷۶ نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۵۸۲۶۸۲ نفر رسیده است. یعنی در حدود ۱۵ سال، جمعیت شهرستان یزد ۶۶ درصد رشد داشته در حالی که شاخص‌های فرهنگی این شهرستان به جز شاخص‌های سوم، هفتم و هشتم که اندکی توسعه یافته، هیچ کدام یک از شاخص‌ها تغییر محسوسی نکرده و در مواردی از میزان آن کاسته شده است. بدیهی است مفهوم توسعه هنگامی در شهرستان‌های یزد، به‌خصوص شهرستان یزد، جاری می‌شود که گام‌های اجرایی و متوازن همراه با رشد جمعیت و به موازات آن انجام شود.

جدول شماره‌ی پنج- جایگاه برخورداری هر یک از شهرستان‌ها در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰

سال ۱۳۸۱		سال ۱۳۹۰	
برخوردار $0 \leq F_i \leq 0/66$	اردکان، ابرکوه	برخوردار $0 \leq F_i \leq 0/70$	بهاباد، صدوق، مهریز
نیمه برخوردار	مهریز، صدوق، بافق، تفت، میبد	نیمه برخوردار	بافق، ابرکوه، اردکان،
غیر برخوردار	خاتم، طبس	غیر برخوردار	میبد، تفت، طبس، خاتم، یزد

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه‌ی ملی در هر کشور وابسته به توسعه‌ی متوازن در سطح مناطق و سرزمین است. در این زمینه توسعه‌ی فرهنگی به‌عنوان بستری مهم و زیربنایی، لازمه‌ی دیگر ابعاد توسعه در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... است. نخستین گام به منظور برنامه‌ریزی توسعه‌ی فرهنگی در سطح مناطق، بررسی سطوح توسعه‌یافتگی فرهنگی در شرایط وضع موجود است. در مقاله‌ی حاضر سعی شد با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی و با استفاده از ۹ شاخص فرهنگی سطح‌بندی میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان یزد در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۹۰ انجام شود. مطابق با محاسبات انجام شده، شهرستان‌های اردکان و ابرکوه در سال ۱۳۸۱ و بهاباد، مهریز و صدوق در سال ۱۳۹۰ جزء شهرستان‌های برخوردار، شهرستان‌های مهریز، صدوق، بافق، تفت و میبد در سال ۱۳۸۱ نیمه برخوردار و در همین سال شهرستان‌های طبس و خاتم غیربرخوردار شناخته شدند. در سال ۱۳۹۰ جایگاه شهرستان‌های اردکان و ابرکوه تنزّل یافته و به همراه شهرستان بافق نیمه برخوردار و شهرستان‌های طبس و خاتم نیز همانند ۱۰ سال گذشته به همراه شهرستان‌های میبد، تفت و یزد، غیر برخوردار شناسایی شدند.

تغییر جایگاه یزد به عنوان شهرستان مرکزی استان از توسعه‌یافتگی بسیار بالا (در سال ۱۳۸۱ به دلیل شدّت توسعه‌یافتگی در میان شهرستان‌های استان غیر همگن و از دایره‌ی محاسبات خارج شد) به جایگاه غیر برخوردار در سال ۱۳۹۰ حاکی از توسعه‌ی نامتوازن این شهرستان است. شاخص‌های جمعیت این شهرستان بیان‌کننده‌ی آن است که در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ رشد جمعیت معادل ۶۶ درصد بوده و این در حالی است که شاخص‌های فرهنگی در این شهرستان اغلب نه تنها رشد نداشته بلکه در مواردی با کاهش نیز همراه بوده است.

نتایج این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی توسعه‌ی فرهنگی و به صورت مشخص اولویت‌بندی در سطح شهرستان‌های استان یزد به منظور توسعه‌ی متوازن فرهنگی در استان ایجاد نماید. همچنین به واسطه‌ی توسعه‌ی فضاها، امکانات و شاخص‌های فرهنگی همگام با افزایش جمعیت می‌توان توازن را در سطوح مختلف توسعه‌ی فرهنگی استان فراهم کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

منابع:

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱) **جامعه شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستای ایران**، تهران: انتشارات اطلاعات.

۲. استیونسون، دبورا (۱۳۸۸) **شهرهای و فرهنگ‌های شهری**، ترجمه‌ی رجب پناهی و احمد پوراحمد، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

۳. افراخته، حسن (۱۳۷۴) **مدل در جغرافیا**، زاهدان: جهاد دانشگاهی.

۴. آسایش، حسین (۱۳۸۹) **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

۵. پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی (۱۳۸۸) «تحلیل نابرابری‌های منطق‌های و آینده نگاری توسعه (نمونه‌ی موردی: استان آذربایجان شرقی)»، **نشریه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال پانزدهم، شماره ۳۲ ، صص ۲۹-۶۴.

۶. تقوایی، مسعود و صفر قائدرحمتی (۱۳۸۵) «تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی استان‌های کشور»، **مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، سال دوم، شماره‌ی ۷، ص ۱۱۷-۱۳۲.

۷. تقوایی، مسعود و محمد صبوری (۱۳۹۱) «تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان»، **مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۲، ص ۵۳-۶۸.

۸. توکلی‌نیا، جمیله و محمد شالی (۱۳۹۱) «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران»، فصلنامه‌ی آمایش محیط»، شماره‌ی ۱۸، ص ۱-۱۵.

۹. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی ۳، ص ۱۴۹-۱۶۴.

۱۰. زیاری، کرامت ا... (۱۳۷۹) «سنجش درجه‌ی توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۶، ص ۹۱-۱۰۴.

۱۱. ژیرار، آگوستین (۱۳۷۲): **توسعه‌ی فرهنگی**، ترجمه‌ی عبدوالحمید زرین‌قلم و همکاران، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. ساروخانی، باقر و ژاله توکلی‌والا (۱۳۹۱) «تاکسونومی عددی و کاربرد آن در تحقیقات اجتماعی»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی تاریخی**، دوره‌ی ۴،شماره‌ی ۱، ص۱۷۱-۱۹۴.

۱۳. سرخ‌کمال، کبری و مریم بیرانوندزاده و سیدمحمود زنجیرچی (۱۳۹۰) «سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی»، **مجله‌ی برنامه‌ریزی فضایی**، سال اول، شماره‌ی ۲، ص ۹۵-۱۰۸.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

۱۴. شالی، محمد و محمدتقی رضویان (۱۳۸۹) «نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاکسونومی و خوشه‌بندی»، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۴، شماره ۱۷، صص ۴۰-۲۵

۱۵. صالحی میلانی، ساسان و مریم محمدی (۱۳۸۹): «اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی»، **دو فصلنامه‌ی دانشگاه هنر(نامه‌ی معماری و شهرسازی)**، شماره‌ی پنجم، ص ۸۱-۹۸.

۱۶. صرافی، مظفر (۱۳۷۹) **مبانی برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه ای**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) **انسان‌شناسی شهری**، تهران: نشر نی.

۱۸. مامفورد، لوئیز (۱۳۸۵) **فرهنگ شهرها**، ترجمه‌ی عارف اقوامی، تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

۱۹. محمدی، جمال و ملیحه ایزدی (۱۳۹۰) «رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس تصمیم‌گیری چند شاخصه»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم**،شماره‌ی ۴۴ ، ص۱۷۵-۱۹۸.

۲۰. محمودی‌نژاد، هادی و علیرضا صادقی (۱۳۸۸) **طراحی شهری(از روان‌شناسی تا رفاه اجتماعی)**، تهران: انتشارات طحان و هله، چاپ اول.

۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۱) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن، یزد، سالنامه‌ی آماری استان یزد.**

۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۹) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن، یزد، سالنامه‌ی آماری استان یزد.**

۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن، یزد، سالنامه‌ی آماری استان یزد.**

۲۴. مسعود، محمد و امیرمحمد معززی مهرطهران و سیدنیما شبیری (۱۳۹۰) «تعیین درجه‌ی توسعه نیافتگی شهرستان‌های استان اصفهان با تکنیک تاکسونومی عددی»، **فصلنامه‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال دوم، شماره‌ی ۸، ص ۳۹-۵۴.

۲۵. مشکینی، ابوالفضل و اکرم قاسمی (۱۳۹۱) «سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی با استفاده از مدل TOPSIS»، **فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال دوم، شماره‌ی ۷، ص ۱-۱۱.

۲۶. معصومی اشکوری، سید حسین (۱۳۸۷) **اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، تهران: انتشارات پیام.

۲۷. منتظرتربتی، جمیله (۱۳۸۷) **تحلیل نابرابری فضایی در منطقه؛ نمونه‌ی موردی: استان خراسان رضوی**، پایان نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، به راهنمایی محمدحسین شریف زادگان، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]

۲۸. موحد، علی و محمدعلی فیروزی و حبیبه روزبه (۱۳۹۰) «تحلیل درجه‌ی توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای»، **مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، سال دوم، شماره‌ی پنجم، ص ۴۳-۵۶.

۲۹. مومنی، مهدی و الهه صابر (۱۳۹۱) « تعیین توسعه یافتگی شهر نایین در استان اصفهان»، **مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۱، ص ۱۸۵- ۲۰۰.

۳۰. نقدی، اسدا... (۱۳۸۲) **درآمدی بر جامعه شناسی شهر**، همدان: انتشارات میهن.

۳۱. وثوقی، منصور (۱۳۸۴) **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا**، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

32. Eghbali,Ali Reza (2007) «The Ranking Iran's Banks by Taxonomy Numerical Analysis», **Journal of International Research Publication**, Vol 2: 126-138.

33. Guveli, asli, kilickaplan (2000) «A ranking of Islamic Countries in Terms of Their Levels of Socio-Economic Development»; **Journal of Economic Cooperation**, 21, Number 1: 95-112.

34. J. Hansen, Carsten (2011) **The role of policy-making and planning cultures for sustainable transport?**, European Transport, 47, 89-108.

35. Jenks, Chris (2004) **culture**, publications of Routledge, new York.

36. Kankala, Erja (2011) **culture in development cooperatin**, Publications of the Ministry on Education and Culture, Helsinki.

37. Montgomery, John (1990) **Cities and the Art of Cultural Planning**, planning practice & research,1990, 5, 8-17.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-02-05]